

## روابط جمهوری آذربایجان با ایران در گذر از مرحله «احساسی» به مرحله «ادراکی»!

در یک سال گذشته نشانه‌هایی در روابط بین ایران و جمهوری آذربایجان به چشم می‌خورد که بیانگر شروع حرکتی برای گذر روابط ایران و آذربایجان از مرحله «احساسی» به مرحله «ادراکی» می‌باشد

### خبرگزاری آران/سرویس آذربایجان

«احساس بدبینی شدید» حالتی است که شخص در آن حالت احساس می‌کند که همه کس و حتی نزدیکانش علیه وی دسیسه و توطئه کرده و احیاناً قصد از بین بردن او را دارند و چه بسا این تفکر و احساس باعث قتل‌هایی نیز می‌گردد. رابطه این حالت با «قدرت» جالب‌تر است و در طول تاریخ؛ ما شاهد قتل‌های سیاسی به خاطر آن بوده‌ایم؛ نادر شاه فرزند خود رضا قلی را به خاطر سوءظن کور نمود ولی بعداً وقتی بی‌گناهی فرزندش ثابت گردید، به شدت پشیمان شد و حلق وی تغییر کرد. چنانچه این حالت ذهنی را از «جزء» به «کل» آورده و آن را در روابط بین الملل بررسی نمائیم، پیامد وحشتناک آن را شاهد خواهیم بود. این همان نظریه ای است که از آن تحت عنوان «توهم توطئه» یاد می‌شود. در این حالت یک دولت فکر می‌کند که دولت یا دولت‌هایی مشغول توطئه علیه او بوده و احیاناً قصد حمله یا براندازی حکومت او را دارند و چه بسا این توهم و دشمن‌انگاری منجر به جنگ میان دول نیز گردیده است. همانگونه که می‌دانیم یکی از مهمترین دلایل شروع جنگ جهانی اول، رقابت میان آلمان و انگلیس و نیز سوءظن آنها به یکدیگر بود که صدمات و خسارتهای آن تا مدتها ادامه داشته است. در سیاست بین الملل، معمولاً کشورهایی که بحران‌های سیاسی و اجتماعی را پشت سر می‌گذارند و یا پس از سالها زندگی تحت استیلاء بیگانگان، به استقلال می‌رسند بیش از دیگر کشورها دچار بدبینی نسبت به کشورهای دیگر می‌شوند و چه بسا همین حالت آنان را از امتیازات فراوان همگرایی با واحدهای سیاسی دیگر محروم می‌نماید. بدیهی است، حالت بدبینی که از مولفه‌های اصلی مکتب رئالیسم نیز محسوب می‌گردد، درجات مختلفی دارد که برخورداری دولتها از سطح معینی از آن لازمه کشور داری می‌باشد، اما عبور دولتی از آن سطح معمول باعث ایجاد برخی مشکلات می‌شود. البته بدبینی دولتی به دولت دیگر همیشه درون‌زا نبوده و ممکن است توسط کشور یا قدرتهای دیگری به یک واحد سیاسی تازه استقلال یافته تحمیل شود، این حالت همیشه به بروز جنگ و درگیری منجر نگردیده و ممکن است به جلوگیری از گسترش روابط دو دولت منتهی گردد که به صورت طبیعی چنانچه این اتفاق بین دو کشور همسایه اتفاق بیافتد لطمات و خسارات آن مخصوصاً برای طرف کوچکتر بیشتر خواهد بود.

بررسی تاریخچه روابط جمهوری آذربایجان با ایران به خوبی مبین مسائل پیش گفته می‌باشد. جمهوری آذربایجان که در سال 1991 به استقلال رسید، در دوران حاکمیت جبهه خلق بنا به دلایل مختلفی دچار بدبینی نسبت به ایران شد که این عوامل را می‌توان به دو بخش داخلی و خارجی تقسیم نمود. در بخش داخلی؛ سران جبهه خلق هم به این دلیل که در میدان نبرد با ارامنه اشغالگر توفیقی به دست نمی‌آوردند و دنبال عامل خارجی برای توجیه شکستهای خود بودند و هم به دلیل پاره‌ای باورهای افراط‌گرایانه قومی، سعی نمودند سیاست بدبین نمودن مردم آذربایجان نسبت به ایران را در پیش بگیرند؛ در بخش دلایل خارجی نیز، دشمنی برخی قدرتها مانند آمریکا و رژیم صهیونیستی و نیز رقابت برخی کشورها مانند ترکیه با انقلاب اسلامی ایران باعث تبلیغات ضد ایرانی آنها در بین سیاستمداران و مردم آذربایجان گردید که مجموع این عوامل در نهایت به سردی روابط دو کشور ایران و آذربایجان منجر گردید، به عبارت دیگر این مسائل سبب گردید نطفه روابط فیما بین دو کشور همسایه با بدبینی منعقد شود که همین موضوع روابط تهران باکو را به روابطی پر فراز و نشیب تبدیل نمود که مبنای آن نه «درک صحیح» دو طرف از یکدیگر بلکه «احساس بدبینی» جمهوری آذربایجان از ایران و متقابلاً ناخرسندی ایران از برخی اقدامات جمهوری آذربایجان بوده است.

پس از روی کار آمدن مرحوم حیدر علی‌اف در جمهوری آذربایجان، تلاشهایی از سوی وی و مقامات ایرانی برای جایگزینی «اعتماد متقابل» به جای «بدبینی و ناخرسندی» شروع شد که نتایج مثبتی در پی داشت و روابط دو کشور را در مسیر قابل قبولی قرار داد. پس از فوت رئیس جمهور فقید آذربایجان و روی کار آمدن آقای الهام علی‌اف، دشمنان ایران اسلامی به ویژه صهیونیستها از زمینه‌های ایجاد شده قبلی و نیز از شرایط خاص سیاسی، اجتماعی آذربایجان سوء استفاده نموده و تلاش کردند سیاست بدبین سازی دولت و مردم جمهوری آذربایجان نسبت به ایران را ادامه دهند که در این مسیر از هیچ تلاشی مانند اقدامات رسانه‌ای، سیاسی، فرهنگی و... دریغ نمودند و متأسفانه تا حدودی نیز به موفقیت‌هایی دست یافتند. اقداماتی مانند توهین به مقدسات اسلامی و یا برخی تحرکات قومی ضد ایرانی در برخی رسانه‌ها و محافل آذری که با کارگردانی صهیونیستها و غالباً بر خلاف نظر دولتمردان جمهوری آذربایجان صورت می‌گیرد به صورت طبیعی اسباب اعتراض و ناخرسندی محافل دینی یا سیاسی ایران را سبب می‌شود که همین موضوع زمینه‌ای برای عدم ارتقاء روابط فیما بین تهران-باکو در عرصه‌های مختلف می‌شود که بی‌شک ضررهای ناشی از آن بیش از هرکس متوجه مردم مسلمان جمهوری آذربایجان و ایران می‌باشد.

خوشبختانه در یک سال گذشته نشانه‌هایی در روابط بین ایران و جمهوری آذربایجان به چشم می‌خورد که بیانگر شروع حرکتی برای گذر روابط ایران و آذربایجان از مرحله «احساسی» به مرحله «ادراکی» می‌باشد. افزایش سفرهای متقابل مقامات بلندپایه دو کشور از جمله سفر مشاور امنیت ملی آذربایجان، رئیس اداره دولتی روحانیون قفقاز و رئیس مجلس آذربایجان طی چند ماه اخیر به تهران و استقبال گرم مقامات ایرانی از هیئت‌های آذری، تعطیلی برخی مراکز قوم‌گرایانه ضدایرانی در باکو، عدم اجازه مقامات آذری به ورود برخی چهره‌های ضد ایرانی به باکو، عدم تکرار اقدامات ضد اسلامی سالهای گذشته که به صورت طبیعی رضایت مراجع عظام تقلید و علمای ایرانی را در پی داشته، افزایش فضای دوستی در رسانه‌های ایران و جمهوری آذربایجان، سفر هیئت فعالان آزادی‌قره

باغ جمهوری آذربایجان به تبریز و استقبال فوق العاده گرم فعالان فرهنگی، دانشگاهی و ائمه جمعه ایران از آنان، برگزاری همایش بین المللی قره باغ در آینده نزدیک در ایران و نمونه هایی از این قبیل جملگی شواهد قابل توجهی برای عزم مقامات عالی، رسانه ها و نخبگان دانشگاهی و فرهنگی دو کشور برای تحکیم روابط و گذر از مرحله «احساسی» به «ادراکی» می باشند.

روی کار آمدن دولت جدید در ایران که الویت سیاست خارجی خود را بر تحکیم روابط با همسایگان بنا نهاده و نیز پیام تبریک رئیس جمهوری آذربایجان به دکتر روحانی که در آن از تداوم تلاشها برای گسترش همکاریهای موفق سخن به میان آمده و همچنین استقبال رئیس جمهوری ایران از گسترش و تحکیم مناسبات تهران و باکو که در پاسخ به پیام تبریک الهام علی اف مطرح شده در مجموع شرایط مساعدی برای ورود روابط ایران و جمهوری آذربایجان به مرحله ای نوین ایجاد نموده است که در نخستین گام این مرحله؛ سخنگوی وزارت امور خارجه ایران در نخستین نشست هفتگی خود ابراز امیدواری نموده است در دوره جدید مبادلات تجاری دو کشور افزایش یابد.

بی شک تداوم این روند مستلزم تعمیق شناخت دو کشور از یکدیگر، تشخیص و برآورد نمودن مطالبات برحق و متقابل، عدم تاثیر پذیری از سیاست های قدرتهای ثالث، احترام به تاریخ، فرهنگ و مذهب مشترک دو ملت و بهره برداری از این اشتراکات در مسیر تحکیم روابط می باشد که طبیعی است در این صورت دولت جمهوری آذربایجان که متأسفانه بیست درصد خاکش در اشغال می باشد می تواند بیش از پیش از ظرفیتهای همسایگی با کشور قدرتمند ایران و نیز پتانسیلهای ارزشمند جهان اسلام در مسیر آزاد سازی اراضی خود و نیز تسریع در روند توسعه خویش استفاده نماید.

فرجام سخن اینکه، تداوم روابط فیما بین ایران و آذربایجان بر مبنای «درک صحیح و نه احساس»، حل اختلافات یا تفاوت سلیقه ها بین دو کشور را کم هزینه تر و سهل تر می نماید. نمونه بارز این موضوع در شرایط کنونی اختلاف محافل سیاسی و فرهنگی ایران و آذربایجان با یکدیگر در خصوص تغییرات ایجاد شده در مقبره نظامی گنجوی می باشد که بر خلاف گذشته که معمولاً اختلافاتی مانند آن در فضایی هیجانی و توأم با دشمنی و همراه با بد اخلاقی های رسانه ای و... مطرح می شد، در فضایی آرام و منطقی در حال پیگیری است که البته این گونه رفتار با پشتوانه مذهبی و سابقه تاریخی و فرهنگی مردم دو کشور ایران و آذربایجان سازگار تر است. پایان پیام.